

تقدم فضل و فضل تقدم در نکوداشت نجف دریابندری

علی خزاعی فر

در این شماره صفحاتی را به نکوداشت نویسنده، محقق و مترجم پیشکسوت، نجف دریابندری اختصاص داده‌ایم. در ابتدا قرار بود با ایشان گفت و گو کنیم ولی دعوت مترجم به گفت و گو را نپذیرفتند و گفتند پیش‌تر درباره ترجمه مفصل گفت و گو کرده‌اند؛ این بود که به پیشنهاد ایشان گزیده‌ای از گفت و گوی بلندشان را با ناصر حریری که به صورت کتابی با عنوان یک گفت و گو به چاپ رسیده در این شماره آورده‌ایم. همچنین در این شماره از آقایان کوثری، سمیعی و غبرایی هم خواستیم مطالبی به اختصار درباره شخصیت و کار دریابندری بنویسند. بی‌تردید بسیاری دیگر هم بودند که مایل بودند سخنی از باب سپاس از یک عمر زحمات قلمی این اسطوره ترجمه در ایران بنویسند، اما متأسفانه با توجه به محدودیت صفحه‌های مترجم انجام فراخوان گسترده ممکن نشد.

در این مختصر از دیدگاه محقق ترجمه مایلم به سه نکته درباره دریابندری اشاره کنم. نخست این‌که داستان زندگی حرفه‌ای دریابندری در واقع داستان دوره‌ای شکوفا و سازنده از ترجمه ادبی در ایران است و دریابندری یکی از بهترین مترجمان ادبی این دوره به حساب می‌آید، مترجمانی که در دو سه دهه قبل از انقلاب رشد کردند و به تکامل حرفه‌ای رسیدند. این مترجمان نوعاً به دلیل علائق ادبی-هنری و یا سیاسی به حرفه و عرصه ترجمه ادبی و در نتیجه به حلقه روشنفکران زمان خود وارد شدند. اینان با انتخاب کتاب برای ترجمه رسالت روشنفکرانه خود را به انجام می‌رساندند. کتاب‌هایی که این مترجمان انتخاب می‌کردند، اعم از اینکه سیاسی یا اجتماعی یا ادبی یا هنری بود، خوراک روشنفکران و اهل قلم را فراهم می‌کرد. عنصر سیاسی ایدئولوژیک در کار دریابندری در مقام مترجم کاملاً بارز است.

نکته دیگر در مورد دریابندری نقشی است که دریابندری در تحول و تکامل زبان ترجمه، به ویژه ترجمه رمان، ایفا کرده است. امروزه زبان ترجمه رمان زبانی غنی، یخته، روان و زیباست با گرایش به سوی زبان محاوره و بدور از هر نوع تصنع. پنجاه سال پیش چنین زبانی در اختیار مترجمان نبود چون شعر و رمان مدرن فارسی هنوز در مراحل آغازین خود بود. رمان از ترجمه متأثر شد و با رشد رمان زبان ترجمه نیز به تدریج از زبان رمان تأثیر پذیرفت. نتیجه این تأثیر متقابل پیدایش زبان روایی قدرتمندی است که امروزه در نمونه‌های خوب رمان و ترجمه به کار گرفته می‌شود. پنجاه سال پیش قابلیت‌های زبان فارسی در عرصه روایت و رمان هنوز تجربه نشده و فعلیت نیافته بود. چندی پیش که رمان وداع با اسلحه به ترجمه دریابندری را در کلاس ترجمه برای دانشجویان می‌خواندم، دانشجویان گفت و گوهای رمان را نمی‌پسندیدند و حق هم داشتند. زبان رمان تحول پیدا کرده و سطح توقع ما را بالا برده است. دریابندری اگر امروز وداع با اسلحه را ترجمه کند، زبان آن کاملاً متفاوت خواهد بود. برای رسیدن به زبانی که امروز برای ترجمه در اختیار داریم، باید تجربه می‌کردیم، باید راه را باز می‌کردیم. دریابندری از جمله تجربه‌گران زبان بود که راه را برای نسل‌های بعدی نویسندگان و مترجمان باز و هموار کرد. زبان از همان ابتدای کار برای دریابندری اهمیت داشته و دغدغه فکری او بوده است. دریابندری در مقاله‌ای در ستایش زبان خاطرات من نوشته هوشنگ مستوفی می‌گوید ارزش این اثر از ارزش شمس‌العماره کمتر نیست. باز در جای دیگری از ایشان خواندم که تا به زبان مناسبی برای ترجمه اثری نمی‌رسیدند ترجمه آن را آغاز نمی‌کردند. مترجم ادبی همچون شاعر لحظه‌ای از دغدغه زبان رها نیست. هنر او در زبان خلق می‌شود. دریابندری در سیر تجربیات خود در زمینه زبان تا آن جا پیش رفت که تراژدی‌های یونان را هم به زبان امروزی ترجمه کرد. شایسته است این تجربیات به صورتی محققانه و منصفانه مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد تا نقش دریابندری و مترجمان هم نسل او در تحول زبان ترجمه معلوم شود.

در پایان مایلم به این نکته هم اشاره کنم که دریابندری شاید بیش از همه مترجمان و نویسندگان زمان خود درباره ترجمه اندیشیده و حرف زده، حرف‌های مفیدی که برگرفته از تجربه خودش در کار ترجمه است. از این بابت هم به ایشان مدیونیم. هم از ایشان سپاسگزار.